



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه گرایش منطق

عنوان پایان نامه

ساختار نحوی و معنایی منطق پارشناسی و ملاحظات فلسفی
آن

نام دانشجو

محسن شعبانی صمغ آبادی






استاد راهنما

لطف الله نبوی

خرداد ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد
 اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خاتم / آقای محسن سعیدی جمع آوری / تحت عنوان
 ساختار نحوی و معنای منطق پاراسناری و ملاحظات فلسفی آن
 را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد
 می کنند .

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	سید محمد علی نبوی	رئیس	
۲- استاد مشاور	دکتر حسینی	استادیار	
۳- استاد ناظر	فرشته نبیانی	استادیار	
۴- استاد ناظر	سید محمد علی محمدی	دکتر	
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی	سید محمد علی محمدی	دکتر	

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت

مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده 1- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده 2- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده 3- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (ثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده 4- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده 5- این آیین‌نامه در 5 ماده و یک تبصره در تاریخ 87/4/1 در شورای پژوهشی و در تاریخ 87/4/23 در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ 87/7/15 شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در

شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.
«اینجانب، مهندس سعید علی‌اکبری دانشجو رشته علوم کامپیوتر منطبقاً با ماده ۸۹ ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۲ متعلق به دانشکده علوم انسانی متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الذکر به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضاء: 
تاریخ: ۱۳۹۲ / ۷ / ۲۱

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده 1: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده 2: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته

است که در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به

راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر ، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده 3: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده 4: در صورت عدم رعایت ماده 3، 50٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده 5: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده 4 را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده 6: اینجناب محسن سعیدی فتح آبادی رشته فلسفه - منطق مقطع کارشناسی ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: محسن سعیدی فتح آبادی

تاریخ و امضاء:

۱۳۹۲، ۷، ۲۳



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه گرایش منطق

عنوان پایان نامه

ساختار نحوی و معنایی منطق پارشناسی و ملاحظات فلسفی

آن

نام دانشجو

محسن شعبانی صمغ آبادی

استاد راهنما

لطف الله نبوی

استاد مشاور

داود حسینی

خرداد ۱۳۹۲

چکیده

جزء و کل مفاهیم بسیار آشنایی در زندگی روزمره هستند که فرد از نخستین سال های زندگی قادر به شناسایی و کاربرد آنها است. متافیزیک دانان از دیرباز به بحث هایی چون انواع کل ها، رابطه جزء و کل و ... پرداخته اند. لیکن بحث نظام مند درباب جزء و کل در اواخر قرن نوزدهم در نوشته های فرانتس برنتانو پدیدار شد. تلاش های برنتانو توسط شاگردان وی اشتومپف، تفارودفسکی و هوسرل پی گرفته شد. رویکرد منطقی به مباحث جزء و کل که منجر به ایجاد نظریه پارشناسی امروزیین گشت، حاصل تفکرات استانیسواف لشنیفسکی ریاضی دان و منطق دان لهستانی است. در نوشتار حاضر نخست به ساختار نحوی نظریه های امروزیین پارشناسی می پردازیم. تقریری که در این نوشتار مد نظر بوده توسط آکیله ورزی ارائه شده است و نظریه ای است که در منطق محمولات مرتبه اول به علاوه این همانی صورت بندی شده است. زان پس به ساختار معنایی (نظریه مدل) نظریه های پارشناسی را مورد ملاحظه قرار داده ایم که عمدتاً تاکید روی مشابهت های ساختاری نظریه های پارشناسی و نظریه مجموعه ها و جبر بولی است. برخی چالش ها و برخی ملاحظات فلسفی همچون مصداق مندی رابطه جزئیت و رابطه کل با اجزاء موضوعات فصل چهارم هستند. در فصل پنجم اجزاء در گذر زمان از دیدگاه نظریه های سه بعد گرایانه و چهار بهد گرایانه را مطالعه خواهد نمود و فصل ششم به تز ذات گرایی پارشناختی که درباره وضعیت ضروری بودن یا نبودن اجزاء یک کل است اختصاص دارد. فصل هفتم هم ارزیابی رویکرد متافیزیکی در بحث جزء و کل است و هم سعی دارد با به کار گیری حداقلی ابزارهای پارشناختی پاسخ های نظام مند تری به برخی چالش های مطرح شده در ادبیات بحث را فراهم کند.

واژگان کلیدی: جزء و کل، نظریه های پارشناسی، مصداق مندی، این همانی به منزله ترکیب، اجزاء زمانی، ذات گرایی پارشناختی، آکیله ورزی

فهرست مطالب

- فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق..... ۱
- ۱-۱ تعریف و کلیات بحث جزئیت ۱
- ۲-۱ مروری بر تلاش های انجام شده به منظور ایجاد یک نظریه پارشناسی ۳
- ۱-۲-۱ استانیسواف لشنیفسکی و کلاس های انضمامی ۳
- ۲-۲-۱ نلسون گودمن و حساب مفردات ۴
- ۳-۲-۱ بن - پارشناسی هوسرل و هستی شناسی ناظر به صورت ۴
- ۴-۲-۱ دیوید لوئیس و اجزاء کلاس ها ۶
- ۳-۱ منطق پارشناسی یا منطق نظریه پارشناسی؟ ۷
- ۴-۱ رویکردهای ممکن به بحث جزء و کل ۸
- ۵-۱ پرسش های اصلی نوشتار حاضر..... ۹
- ۶-۱ پیش فرض ها..... ۱۰
- ۷-۱ اهداف پژوهش حاضر..... ۱۱
- ۸-۱ مروری بر فصل ها ۱۲
- فصل دوم: نظریه های پارشناسی (نظریه برهان) ۱۱
- ۱-۲ نظریه های پارشناسی ۱۱
- ۲-۲ اصول ترتیب جزئی ۱۲

۲۲.....	۳-۲ اصول تجزیه
۴۰.....	۴-۲ اصول ترکیب
۵۴.....	۱-۴-۲ جمع نامشروط
۵۵.....	۵-۲ اتمسیم
۵۶.....	۶-۲ اصل موضوع کف
۶۱.....	۷-۲ تلخیص نظریه های پارشناسی
۶۱.....	۱-۷-۲ نظریه M
۶۲.....	۲-۷-۲ نظریه های EM و MM
۶۳.....	۳-۷-۲ نظریه CMM
۶۴.....	۴-۷-۲ نظریه CEM
۶۵.....	۵-۷-۲ نظریه GMM
۶۵.....	۶-۷-۲ نظریه های GEM
۶۶.....	۷-۷-۲ روابط نحوی میان نظریه ها
۶۸.....	فصل سوم: نظریه های پارشناسی (نظریه مدل)
۶۸.....	۱-۳ نظریه های GEM^+ و GEM°
۶۹.....	۲-۳ تعبیر مبتنی بر نظریه مجموعه ها
۷۲.....	۳-۳ تعبیر مبتنی بر جبر بولی

- ۳-۳-۱ شبکه ها ۷۶
- ۳-۳-۲ جبر بولی کامل ۷۷
- ۳-۳-۳ نظریه های پارشناسی و جبر بولی ۷۸
- فصل چهارم: برخی ملاحظات فلسفی نظریه پارشناسی ۸۱
- ۴-۱-۱ تعدی رابطه جزئیت ۸۱
- ۴-۲-۲ نسبت جمع پارشناختی به اجزایش ۸۲
- ۴-۲-۱ ترکیب به منزله ی این همانی (ت ترکیب ضعیف) ۸۳
- ۴-۲-۲ ترکیب همان این همانی است (ت ترکیب قوی) ۸۶
- ۴-۲-۳ ترکیب قوی تر ۸۸
- ۴-۲-۴ مبرا نبودن پارشناسی به لحاظ هستی شناختی ۸۸
- ۴-۳-۳ مصداق مندی و این همانی ۸۹
- ۴-۳-۱ مسائل ناشی از چیدمان و آرایش ۹۰
- ۴-۳-۲ مسائل ناشی از گروه ها ۹۲
- ۴-۳-۳ جمع صرف و اشیاء متعارف ۹۳
- ۴-۴ از اتمیسم تا نیهلیسم ۹۴
- ۴-۵ کل و کلی ۹۷
- ۴-۶ مرکب حقیقی و اعتباری ، دور کهایم و شهید مطهری ۹۹

۱۰۳.....	فصل پنجم: اجزاء در گذر زمان
۱۰۳.....	۱-۵ دو نظریه استمرار
۱۰۴.....	۲-۵ مسئله تغییر
۱۰۶.....	۱-۲-۵ سه بعد گرایی و تغییر
۱۰۹.....	۲-۲-۵ چهار بعد گرایی و تغییر
۱۱۰.....	۳-۲-۵ نظریه مرحله ها
۱۱۳.....	۳-۵ معماهای تشکیل مادی
۱۱۵.....	۱-۳-۵ دیدگاه تشکیل
۱۱۷.....	۲-۳-۵ نیهیلیسم پارشناختی و تشکیل مادی
۱۱۷.....	۳-۳-۵ نوع مسلط
۱۱۸.....	۴-۳-۵ اجزاء زمانی و تشکیل مادی
۱۱۹.....	۴-۵ جزئیت و دوام
۱۲۰.....	۱-۴-۵ پارشناسی زمانی
۱۲۲.....	۱-۴-۵-۱ اجزاء دائمی و وابسته
۱۲۳.....	فصل ششم: ذات گرایی پارشناختی
۱۲۴.....	۱-۶ نظریه پارشناسی و ذات گرایی پارشناختی
۱۲۷.....	۲-۶ ذات گرایی پارشناختی و تغییر

- ۱۲۸..... ۱-۲-۶ ذات گرایی پارشناختی و چهار بعد گرایی
- ۱۲۹..... ۳-۶ توجهات چیزوم برای ذات گرایی پارشناختی
- ۱۳۳..... ۴-۶ ذات گرایی پارشناختی و معماهای تشکیل مادی
- ۱۳۴..... **فصل هفتم: جمع بندی و مروری بر محتوای بحث جزئیت و ترکیب**
- ۱۳۴..... ۱-۷ چیستی ترکیب
- ۱۳۶..... ۲-۷ نظریه جمع های پارشناختی
- ۱۳۷..... ۳-۷ ویژگی های ترکیب مادی
- ۱۳۹..... ۴-۷ مولفه ها در گذر زمان
- ۱۴۰..... ۱-۴-۷ مولفه ها و تشکیل مادی
- ۱۴۱..... ۵-۷ مولفه و ضرورت
- ۱۴۲..... ۶-۷ جزئیت و شرایط این همانی اشیاء مرکب
- ۱۴۳..... ۷-۷ مولفه و تعدی رابطه جزئیت
- ۱۴۴..... فهرست مراجع

فهرست جداول

جدول ۱-۲: شش گونه نسبت معنایی جزئیت میان واژگان ۲

جدول ۱-۶: فهرست مولفه های میز چیزوم ۱۳۲

فهرست شکل ها

- شکل ۱-۲: ساختار نحوی نظریه پارشناسی ۱۳
- شکل ۲-۲: دیاگرام هاسه جزئیت سره ۲۴
- شکل ۳-۲: دیاگرام هاسه هم‌نشینی قوی ۲۵
- شکل ۴-۲: روابط نحوی میان نظریه های پارشناسی ۶۷
- شکل ۵-۱: گربه تیپیل ۱۱۴
- شکل ۵-۲: نمودار زمان- مکان مجسمه سفالی ۱۱۸

فصل اول:

مقدمه

۱-۱ تعریف و کلیات بحث جزئیت

جزئیت مفهومی آشنا در زندگی روزمره است. بدن هر انسان از اعضاء متعددی تشکیل یافته خود این اعضاء از سلول ها ساخته شده است. مصنوعات بشری هم چون رایانه ای که پردازنده این سطور است از هزاران قطعه ساخته شده است. حتی موجودات غیر مادی هم ممکن است از مولفه ها و عناصری ترکیب یافته باشند مثلا اعداد ۲ و ۳ مولفه های عدد ۶ هستند و یا نتیجه جزئی از استدلال محسوب می گردد. چه بسا حتی هیچ شیء غیر مرکبی در عالم وجود نداشته باشد.

زبان شناسان هم در مطالعه معنا شناسی زبان های طبیعی از نسبت جزئیت^۱ سخن می گویند و معتقدند که یکی از مهمترین نسبت های معنایی بین هستنده های زبانی است.^۲ در زبان فارسی واژه های جزء، بخش، قسمت، قطعه، تکه، پاره، عنصر، مولفه، حصه و ... به این نسبت معنایی دلالت دارند. در زبان انگلیسی هم واژگان بسیاری علاوه بر "part" وجود دارند که از این نسبت حکایت دارند. لیکن نسب معنایی میان این واژگان علی رغم شباهت هایی که دارند تفاوت هایی هم بینشان موجود است. زبان شناسان به طور کلی نسبت معنایی جزئیت را به شش دسته تقسیم نموده اند که در جدول زیر می توان تفاوت های آنها را با همدیگر ملاحظه نمود:^۳

^۱ meronomy

^۲ به طور نمونه نگاه کنید به :

Saeed . I . John , 2003, *semantics* (2th edition) , blackwell ,pp 70-71

^۳ نگاه کنید به :

Winston .E.Morton (and et al), 1987 , "A Taxonomy of Part-Whole Relations" , COGNITIVE SCIENCE 11 , PP417-444

ویژگی های نسبت				
جداشوندگی	همگن بودن	کارکردی بودن ^۱	مثال	نسبت
+	-	+	دسته - فنجان	مولفه - شیء مجتمع ^۲
+	-	-	درخت - جنگل	عضو - مجموعه
+	+	-	دانه برنج - کپه برنج	دانه - کُپه ^۳
-	-	-	فولاد - شمشیر	ماده - شیء ^۴
-	-	+	پرداخت وجه - خرید کردن	رکن - فعالیت
-	+	-	شهر کرج - استان البرز	ناحیه - فضا

جدول ۱-۲ شش گونه نسبت معنایی جزئیت میان واژگان

پس ملاحظه نمودیم که رده ای از واژگان و مفاهیم هم خانواده در زبان طبیعی وجود دارند اما «جزء» به معنای منطقی با کدام دسته از این مفاهیم و واژگان تناظر دارد؟ مشخصاً نسبت «عضو-مجموعه» با نظریه مجموعه ها بیشتر سرسازگاری دارد. در آثار متاخرتر معناشناسی نسبت به مقاله فوق الذکر هم این چنین نسبت هایی را تحت مقوله معنایی شمول^۵ طبق بندی نموده اند. و نیز

^۱ مقصود از ویژگی کارکردی بودن این است که جزء به سبب کارکرد ویژه ای که دارد از کل مشخص و متمایز می گردد.

^۲ component – integral object

^۳ Portion - mass

^۴ Stuff-object

^۵ hyponymy

برخی فیلسوفان درباره نسبت «ماده-شیء» یا به تعبیر فیلسوفان نسبت تشکیل مادی^۱ تردید روا داشته اند.^۲ اما نظر غالب دائر بر این است که آنچه «جزء» به معنای منطقی کلمه تلقی می شود و قرار است مبنای نظریه پردازى منطقی قرار گیرد غیر از نسبت «عضو - مجموعه» قابلیت تعبیر به همه نسب مذکور را دارا است.

۱-۲ مروری بر تلاش های انجام شده به منظور ایجاد یک نظریه پارشناسی

بحث متافیزیکی در باب جزء وکل سابقه طولانی دارد اما غالباً بحث به طور جسته و گریخته انجام شده و نه به طور نظام مند. در زمره این گونه کارها می توان به آثار متافیزیکی افلاطون، ارسطو، آبلارد، لایب نیتس، برنتانو و هوسرل اشاره نمود. اما بحث نظام مند و مدرن از پارشناسی را می توان به استانیسواف لشنیفسکی^۳ ریاضی دان، فیلسوف و منطق دان لهستانی (1886-1939) نسبت داد.

۱-۲-۱ استانیسواف لشنیفسکی و کلاس های انضمامی

وی در ۱۹۱۱ به هنگام مطالعه کتاب ووکاشیه ویچ^۴ درباره منطق ارسطو^۵ که دارای پیوستی راجع به پارادوکس راسل بود، با این مسئله آشنا شد. ابتدا آن را مسئله ای پیش پا افتاده یافت اما در نهایت تلاش هایش برای زدودن پارادوکس راسل منجر به ارائه نظریه پارشناسی شد. هر چند پارادوکس مذکور تا آن زمان بی پاسخ نمانده بود، نظریه انواع^۶ راسل و ارائه نظام اصل موضوعی مجموعه ها^۷ توسط تسرملو^۸ از جمله این تلاش ها بودند. اما روح نام گرایانه حاکم بر اندیشه لشنیفسکی توسل به اشیاء انتزاعی ای چون مجموعه ها را به جهت فراهم آوردن مبنای مستحکمی برای ریاضیات نمی پسندید. پس نظریه کلاس های انضمامی را پدید آورد که در آن کلاس ها اشیاء

¹ material constitution

² درباره تشکیل مادی در بخش ۱.۳ به طور مبسوط بحث خواهیم نمود.

³ Stanislaw Leśniewski

⁴ Łukasiewicz

⁵ *O zasadzie sprzeczności u Arystotelesa* [On the Principle of Contradiction in Aristotle]

⁶ type theory

⁷ Axiomatic set theory

⁸ zermelo

انتزاعی نبودند و ضمناً هر کلاسی جزء خود بود لذا وجود کلاس‌هایی که جزء خود نباشند منتفی بود. در نظر وی کلاس‌ها گردایه‌هایی از اشیاء انضمامی هستند که اعتقاد به وجود آن نیاز به تعهد به وجود شیئی جدای همان اشیاء انضمامی را طلب نمی‌کرد.

لیکن منطق‌گرایی مورد نظر لشنیفسکی فقط در نظریه مجموعه‌ها با منطق‌گرایی راسل و فرگه تفاوت نداشت. وی صاحب نظام منطقی مستقلی بود مشتمل بر منطق گزاره‌هایی که وی «Protothetic» می‌نامید، منطق محمولات که او «Ontology» می‌نامید و پارشناسی که توسط او نظریه کلاس‌های انضمامی نامیده شده است. هم‌چنین دیدگاه‌های وی در فلسفه منطق هم با سایرین تفاوت داشت.

۱-۲-۲ نلسون گودمن^۱ و حساب مفردات^۲

گودمن به خلاف لشنیفسکی به پارشناسی به عنوان بدیلی برای نظریه مجموعه‌ها نمی‌نگریست حتی در صورت بندی خود از پارشناسی از مفهوم مجموعه هم بهره گرفته است.^۳ نظریه پارشناسی یا به تعبیر وی حساب مفردات ابزاری برای تحقق یک متافیزیک نام‌گرایانه بود.

۱-۲-۳ بن - پارشناسی^۴ هوسرل و هستی‌شناسی ناظر به صورت^۵

هوسرل در پژوهش سوم کتاب پژوهش‌های فلسفی خود به بحث درباره نسبت جزء-کل پرداخته است.^۶ او نخست بین دو نوع جزء تمایز می‌نهد: «تکه‌ها» یا «اجزاء مستقل» و «لحظه‌ها» یا

¹ Goodman Nelson

² calculus of individual

³ نگاه کنید به:

Goodman, Nelson. 1977, *The Structure of Appearance*, Springer

⁴ founding mereology

⁵ Formal Ontology

⁶ نگاه کنید به

Husserl, Edmund, 1970. *Logical Investigations*, Vol. 2. Findlay, J.N., trans. Routledge

«اجزاء وابسته»^۱. صفحه یک میز تکه ای از میز است اما سطح میز یا رنگ قهوه ای خاص میز^۲ لحظه ای از آن میز است. در واقع لحظه ها یک نوع رابطه وابستگی به کل ها دارند هوسرل این رابطه بستگی رابطه «بن گذاری»^۳ می نامد و از آن رو است که پارشناسی در نزد او بن- پارشناسی نام گرفته است.

وی همچنین بین کل مضیق^۴، کل موسع^۵ و کل حامل^۶ تمایز قائل می شود. کل مضیق آن کلی است که در آن تعدادی از هستنده ها توسط هستنده ای دیگر به هم پیوند داده شده اند و وحدت یافته اند. به طور مثال هستنده u ای وجود دارد که a و b را به هم پیوند داده و این سه هستنده بر روی هم یک کل واحد را تشکیل داده اند. کل های موسع شبیه کلاس های انضمامی لشنیفسکی و مفردات گودمن هستند، مجتمعی صرف از چند هستنده. و در آخر کل حامل آن گونه کلی است که اجزاء در آن به طور بن گزارانه ای به هم مرتبط اند. وی سپس بر اساس این مفاهیم اصول موضوعه ای را وضع نموده است.

بررسی نظام اصل موضوعی بن-پارشناسی هوسرل از حوصله این نوشتار خارج است^۷، لیکن آنچه که حائز اهمیت است جایگاه پارشناسی در جغرافیای معرفت بشری در نگاه هوسرل است که تا به امروز هم همین نگرش هوسرلی است که بر جای مانده.

هستی شناسی هوسرل کاملا متناظر با نظام مقولات وی است. وی نخست میان امور واقع و ماهیات (یا ذوات) تفاوت قائل می شود. امور واقع اشیاء خاص و متفردند که به نحو امکانی در مکان

^۱ مفهوم لحظه در اصل به برنتانو و کارل اشتومف باز می گردد. برنتانو پیشتر از اجزاء منطقی و اشتومف در روانشناسی فلسفی خود از محتواهای «جزئی» سخن گفته بود که شبیه آن چیزی است که هوسرل لحظه نامیده است.

^۲ به نظر هوسرل یک رنگ قهوه ای کلی وجود دارد که یک ماهیت یا ذات ایده آل و مجرد است و یک نمونه از رنگ قهوه ای وجود دارد که خاص میز مذکور است همین رنگ قهوه ای خاص میز است که لحظه ای از میز می باشد.

^۳ founding

^۴ narrow

^۵ wide

^۶ pregnant

^۷ بحث مبسوط درباره بن - پارشناسی هوسرل را می توانید در مقاله زیر بیابید :

Simons , Peter ,1982 , *The Formalisation of Husserl's Theory of Wholes and Parts* (in *Parts and Moments* , edited by Barry Smith and Wolfgang Kunne)

و زمان جای گرفته اند اشیائی از قبیل درختان و انسان ها و ستارگان، رویدادهایی^۱ انضمامی چون گردش زمین به دور خورشید و زمین لرزه، و نیز وضعیت های اموری^۲ چون «۱۸۰ سانتی متر قد داشتن ادموند هوسرل» و «نشستن نیوتن در زیر درخت سیب مشهور». ماهیات (یا ذوات) اشیاء ایده آل^۳ هستند: شامل انواع، کمیات، کیفیات، نسبت ها و ... برای مثال «انسانیت»، «وحدت»، «عدد» و یا «معلم اسکندر بودن». سپس هوسرل بین ماهیات (یا ذوات) ناظر به صورت و ماهیات (یا ذوات) ناظر به محتوا تمایز می نهد^۴. ماهیات (یا ذوات) ناظر به صورت تنها با صورت های هر گونه از شیئی سروکار دارد. به طور مثال یک درخت نارون را فرض کنید. شکل، رنگ و موقعیت مکانی و صفات دیگر ماهیت مادی درخت را شکل می دهد، آن صفات مذکور و صفت مادیت محتوای درخت نارون را متعین می کنند عام ترین ماهیات ناظر به محتوا نواحی^۵ خوانده می شوند. هوسرل اغلب از سه ناحیه طبیعت، آگاهی و فرهنگ نام می برد. ماهیات عام تر از نواحی ماهیات ناظر به صورت هستند که هوسرل آنها را مقولات نامیده است. ماهیات ناظر به صورت بر همه نواحی می توانند کاربست یابند. در زمره این ماهیات می شود از عدد، جزء، انبوهه، صفت، وضع امور نام برد. پس نسبت جزئیت هم مختص هیچ کدام از نواحی نیست می تواند در هر حوزه ای برقرار باشد. متقابلاً هستی شناسی که به بحث در ماهیات ناظر به صورت موجودات می پردازد «هستی شناسی ناظر به صورت» نامیده می شود. بحث در هستی شناسی ناظر به صورت مشروط به بحث در باب هستندن مختص به ناحیه ای خاصی نخواهد بود. پس به واقع پارشناسی در هستی شناسی ناظر به واقع جای می گیرد.

¹ events

² states of affairs

³ ideal objects

⁴ جاتان لو هم بر این نکته تاکید می ورزد «صورت هستی شناختی یک هستندن با توجه به موقعیتش در نظام مقولات فراهم می آید...»

نگاه کنید به

Lowe . E . J , 2006, *The Four-Category Ontology* , Oxford University Press , PP 47-49

⁵ regions